

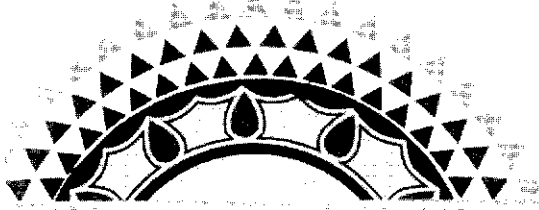
گفت وگو با اسقف کلیسای
آشوری و کلدانی کاتولیک
در تهران

رنج مسیح و تقویت ایمان

محمد جواد ادبی

شاه‌گامی پاییزی و سرد به کلیسای حضرت یوسف در تهران رفتم تا با اسقف کاتولیک کلیسا گفت و گو کنم. در ابتدای ورود مجسمه مهربان و پر فروغ حضرت مریم بهتی ثمربخش را به من هدیه کرد. معماری قدیمی کلیسا در کنار فضای ساکت و پر معنای حیات کم کم می رفت که مرا به جلسه ای معنوی فرو برد. اما قبر اسقف بوحنا، اسقف پیشین که در حیات دفن شده بود هوش و حواس را به من بازگرداند. با احترام از کنارش رد شدم و در انتهای راهروی پستی صحن کلیسا اتاق اسقف را کویدم، مردی مهربان و تا حدی خلاف تصورم حدود ۶۰ ساله به گرمی از من استقبال کرد و در طول گفت و گو با ایمانش به مسیح معنای تقدس را در من پراکند. او براسنی در تمنای عشق به مسیح می سوخت.

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اسقف به عنوان آغاز کلام از خودتان بگویید؟

اسقف رمزی گرمو هشتم و حدود ۶۰ سال سن دارم. حدود ۳۰ سال است که ایران هستم و از عراق آمده‌ام. بعد از ۲۰ سال خدمت به عنوان کشیش در یکی از کلیساها حدود ۱۰ سال است که به عنوان اسقف برگزیده شده‌ام.

اسم رسمی کلیسای ما - کلیسای آشوری و کلدانی کاتولیک است که مرکز آن در تهران است. طبق آمار فعلی حدود ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر پیرو داریم و اکثر این ایمانداران در شهر تهران زندگی می‌کنند. تعداد کمی در شهرستانهای قزوین، کرمانشاه، همدان و اهواز هستند. در تهران دو کلیسای اصلی داریم: کلیسای حضرت یوسف که کلیسای خلیفه گری است و کلیسای حضرت مریم - در جنوب شهر و یک خانه سالمندان وابسته به کلیسای ما است و یک خانه جوان، برای فعالیت های مذهبی و فرهنگی، که توسط راهبه ها اداره می شود.

راجع به تاسیس کلیسا در ایران و بسط و گسترش مسیحیت اولیه اطلاعات ما بسیار اندک است. اینکه در باب دوم اعمال رسولان آمده که در روز پنطیکاست (پارتیان، مادیان، ایلامیان و ساکنان جزیره) در اورشلیم حاضر شدند و هر یک موعظه رسولان را به زبان خود شنیدند امری قابل توجه است.

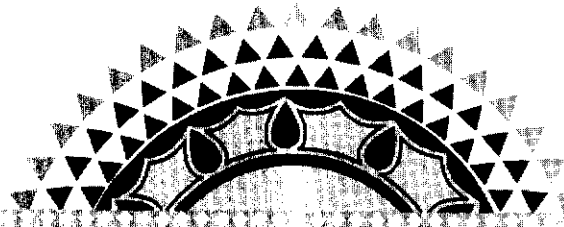
آیا می توان مسیحی شدن ارمنستان در ۳۰۰ میلادی یا فرمان آزادی عمومی اظهار عقیده در ۴۰۹ میلادی از سوی نیرگرد اول را مبنایی برای بسط و گسترش مسیحیت اولیه در ایران به حساب آورد؟

به متن پنطیکاست یعنی نزول روح القدس بر رسولان اشاره کردید که این اتفاق به اواخر قرن اول برمی گردد. روز پنطیکاسته یعنی روز نزول روح القدس بر شاگردان، برای ما همان روز تولد کلیساست. سه گروه از نژاد ایرانی در میان مردم در اورشلیم حاضر بودند: پارتیان، ایلامیان و مادیان. می توانیم تصور کنیم که این اشخاص بعد از دیدن حادثه پنطیکاست و شنیدن مژده رستاخیز مسیح این مژده را به این سرزمین منتقل کرده اند. اما احتمال ظهور مسیحیت در ایران قبل از این تاریخ هم وجود دارد. در انجیل متی روایتی داریم از ۳ مجوس یا مجوسیان، که توسط ستاره ای به سوی بیت اللحم رفتند و آنجا عیسی کوچک را دیدند. او را پرستش کردند و هدایایی تقدیم نمودند و به سرزمینشان

بازگشتند. امروز در شهر ارومیه، مرکز باستانی آشوریها، کلیسایی داریم که برخی از مورخین قلمتش را به تاریخ بازگشت همین مجوسیان می دانند. اما به نظر من این کلیسا یکی از قدیمی ترین کلیساهای ایران است که به یادبود این مجوسیان بنا شده است. از این رو قدمت مسیحیان در ایران به اواخر قرن اول باز می گردد. اما تأسیس کلیسا - یعنی کلیسایی مدون و دارای اسقف و خلیفه گری - به تدریج شکل گرفت. بر طبق اعتقاد مسیحیان شرق حضرت تومای رسول که یکی از دوازده حواریون بود، بعد از اینکه روح القدس به شاگردان نازل شد به این سرزمین ها آمد. ابتدا به بین النهرین (عراق) امروز آمد و مسیحیت را در آنجا ترویج داد، بعد به پارس (ایران) امروز آمد. سپس به راه خود ادامه داد و به هندوستان، شهر مدراس رسید یعنی جایی که بر طبق روایت شهید شده است. امروزه در هندوستان ۲ کلیسایی به نام کلیسای تومای رسول داریم. بعد از او و در اواسط قرن دوم شاگردانش در سرزمین ایران فعالیت کردند و کلیسا را، با قوانین، آداب و رسوم و حضور مسئولان کلیسایی، تأسیس کردند. در قرن چهارم زمان حکومت ساسانیان که زردشتی بودند و آتش و خورشید را می پرستیدند یکی از پادشاهان ساسانی به نام شاپور دوم حکمی صادر کرد برای قتل مسیحیان که تا ۴۰ سال ادامه داشت. شاید این بزرگترین قتل عام مسیحیان در تاریخ کلیسا باشد ولی همین اتفاق باعث گسترش و تقویت کلیسا شد. رنجی که مسیحیان کشیدند باعث تقویت ایمانشان شد و توانستند مژده انجیل را تا سرزمین های دور همانند چین، ژاپن و فیلیپین ترویج دهند و تعداد ایمان داران مسیحی در آن زمان به ۸۰ میلیون نفر رسید که البته این تعداد بین کشورهای خلیج فارس تا چین زندگی می کردند و برای این ۸۰ میلیون نفر، ۲۵۰ خلیفه گری داشتیم. پس از آن اتفاقاتی افتاد که کم کم از اهمیت این کلیسای بزرگ مشرق زمین، کاسته شد. از جمله ظهور اسلام و نیز حمله مغولها به ایران و عراق. برخی از رهبران مغول ها به شدت مخالف مسیحیت بودند و تمامی آثار مسیحیت اعم از کتاب ها و دیرها را نابود کردند و مسیحیان را به قتل رساندند. حملات تیمور لنگ که در اواخر قرن ۱۴ صورت گرفت باعث تضعیف کلیسای شرق شد و بعد در قرن ۱۶ امپراطوری عثمانی به صحنه آمد و به خاطر دشمنی با مسیحیت به قتل عام پیروان آن پرداخت. پس از سقوط عثمانی ها در اوایل قرن

امروز در شهر ارومیه، مرکز باستانی آشوریها، کلیسایی داریم که برخی از مورخین قدمتش را به تاریخ بازگشت مجوسیان می دانند این کلیسا یکی از قدیمی ترین کلیساهای ایران است

روزی که شبها کوتاه می شد و روز طولانی تر، به معنای غلبه نور بر ظلمت بود و چون یکی از القاب مسیح در کتاب مقدس ما نور عدالت است و خود نیز می فرماید: من نور جهان هستم کسی که دنبال من بیاید در تاریکی نمی ماند



بیستم (۱۹۱۸) استعمارگران آمدند و جنگهای داخلی و اغتشاشاتی شروع شد. امروز هم می بینید در عراق که مهد کلیسای ماست و مقر پاتریاک، زیر حکم اشغالگران است و در هرج و مرج به سر می برد که باعث مهاجرت تعداد زیادی از مسیحیان شد. همه این عوامل حضور کلیسا در مشرق زمین را کم رنگ کردند.

سال عبادت یا سال کلیسا که ستون فقرات زندگی اجتماعی و دینی مسیحیان به شمار می رود را برای ما ترسیم کنید.

سال آئین مذهبی مسیحی با زمان مژده میلاد شروع می شود. با شروع سال نو مسیحی از نظر آئین مذهبی در زمان مژده میلاد به سر می بریم و در انتظار میلاد مسیح نجات دهنده هستیم. این زمان اواخر نوامبر و اوایل دسامبر شروع می شود و مدت آن چهار هفته است.

پس از آن زمان میلاد خواهد بود که جنود یک هفته تا دو هفته است. سپس می رسیم به زمان ظهور مسیح (۶ ژانویه) که در کلیسای شرق به یاد بود تعمد مسیح برگزار می کنیم و هفت هفته طول می کشد. بعد از آن زمان روزه بزرگ و ۷ هفته ای است. روزه ما را آماده می کند برای برگزاری عید فصح (پاکی) که ریشه عبری دارد، و هم به معنای گذر و هم به معنای شادی است.

عید فصح نماد مرگ و رستاخیز مسیح است و در رأس اعیاد ماست. از این رو زمان روزه که به فصح خاتمه می یابد مهمترین بخش سال آئین مذهبی ماست. به تعبیر دیگر اگر عید فصح نبود یعنی رستاخیز نبود، مسیحیت هم نبود.

ما معتقدیم به این که محور مسیحیت بر مرگ و رستاخیز مسیح بنا شده و اعیاد دیگر ما از این عید نشأت می گیرند، مدت زمان رستاخیز هم هفت هفته است. پس از آن زمان نزول روح القدس یا همان پنطیکاست که اسمش در کتاب نماز، زمان رسولان است.

آن هم هفت هفته است و در این زمان متذکر می شویم چگونه رسولان و قدرت روح القدس انجیل را در جهان انعکاس و شهادت دادند. زمان تابستان هم شامل هفت هفته است و بعد زمان موسی، ایللیای نبی و صلیب آغاز می شود و آن هم هفت هفته طول است.

آخرین بخش سال مذهبی کلیسای ما چهار هفته است به نام تقدیس کلیسا که موضوع اصلی این

بخش انتظار مسیح در آخرالزمان است.

ما مسیحیان معتقدیم در آخر زمان مسیح زنده شده با جلال و شکوه ظهور خواهد کرد از همین رو کلیسا خود را برای این اتفاق شادی آور آماده می کند. هدف از سال آئین مذهبی این است که بتوانیم بیشتر در زندگی عیسی مسیح از تولد تا رستاخیز و صعود و ظهور تعمق کنیم و فیض ببریم.

در تعطیلات کریسمس امروزه مسیحیان با غیر مسیحیان بیش از هر تعطیلی دیگری مشترک هستند. این مراسم چگونه برگزار می شود؟

مراسمی را که امروزه به مناسبت عید میلاد مسیح برگزار می شود می توان به مذهبی و فرهنگی، سنتی و مردمی تقسیم کرد.

بخش مهمتر همان مذهبی است و بهترین مراسم عید میلاد برای مسیحیان، شرکت در نماز قربانی مقدس است که در شب و روز عید برگزار می شود.

به مناسبت عید میلاد مراسم مذهبی به نام مراسم قربانی مقدس یا عشاء ربانی برگزار می شود به یادبود آخرین عشاء که مسیح با شاگردان خود برگزار کرد که در آن عشاء، نان را به بدن مقدس او و شراب را به خون مقدس او مبدل کرد و گفت این را به یادبود من انجام دهید.

از آن زمان این مراسم برگزار می شود که مهمترین مراسم کلیسایی است و پر از لطف و فیض خداست. قسمت دیگر مراسم که بیشتر فرهنگی و سنتی است دید و بازدید است مثل تمام ملت‌های دیگر به ویژه در این عید بیشتر به بچه ها توجه می شود. هدیه و کادو برای بچه ها در کنار برنامه های مختلف، و شاید هم دیده باشید در خانه ها یا کلیساها درختی به نام درخت کریسمس نصب می شود که این سنت بیشتر غربی است.

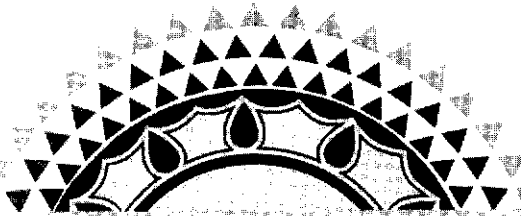
این درخت کاج است که کشورهای اروپای غربی دیده می شود و همیشه سبز است. سبزی یعنی علامت زندگی و حیات جاودانی، چون مسیح فرمودند من حیات هستم کسی که به من ایمان آورد همیشه زنده خواهد ماند. از این درخت برای مراسم عید میلاد استفاده می شود.

آداب و رسوم گذشته مسیحی در ایران چه تفاوت‌هایی با زمان معاصر داشته است؟

تا قرن پنجم عید میلاد چنانچه امروز برگزار می شود برگزار نمی شد در آن دوران عید میلاد مسیح و ظهور او با هم در ششم ژانویه برگزار

برخی از رهبران مغول به شدت مخالف مسیحیت بودند و تمامی آثار مسیحیت اعم از کتاب ها و دیرها را نابود کردند و مسیحیان را به قتل رساندند حملات تیمور لنگ که در اواخر قرن ۱۴ صورت گرفت باعث تضعیف کلیسای شرق شد و بعد در قرن ۱۶ امپراطوری عثمانی به صحنه آمد و به خاطر دشمنی با مسیحیت به قتل عام پیروان آن پرداخت

عید فصح نماد مرگ و رستاخیز مسیح است و در رأس اعیاد ماست. از این رو زمان روزه که به فصح خاتمه می یابد مهمترین بخش سال آئین مذهبی ماست و به تعبیر دیگر اگر عید فصح نبود یعنی رستاخیز نبود و مسیحیت هم نبود



می‌شدند از قرن پنجم به بعد عید میلاد از عید ظهور مسیح جدا و شد روز ۲۵ دسامبر به عنوان عید میلاد مسیح انتخاب شد یعنی مقارن روزی که برای ایرانیان قدیم روز خورشید میلاد مهر بود.

روزی که شبها کوتاه می‌شد و روز طولانی‌تر، به معنای غلبه نور بر ظلمت بود و چون یکی از القاب مسیح در کتاب مقدس ما نور عدالت است و خود نیز می‌فرماید: "من نور جهان هستم کسی که دنبال من بیاید در تاریکی نمی‌ماند" کلیسا روز ۲۵ دسامبر را به عنوان عید میلاد مسیح انتخاب کرد. البته کلیساهای ارتدوکس هنوز عید میلاد مسیح و ظهور او را ششم ژانویه برگزار می‌کنند.

در کلیسای بیت‌الحم در شب میلاد مسیح پس از نیمه شب مراسم خاصی انجام می‌شود آیا در کلیساهای ایران مراسم مشابهی داریم؟

در سال جاری عید میلاد یا چهارم دی مصادف با یکشنبه بود و شنبه سوم دی ساعت ۱۱ قبل از نیمه شب مراسم شروع شد تا یک بعد از نیمه شب ادامه داشت. مراسمی در همین مکان برگزار شد و روز عید هم صبح این مراسم دوباره برگزار شد که مهمترین مراسم عید ما است و اگر این مراسم نباشد عید معنایی ندارد.

از دیدگاه شما شادی واقعی میان مسیحیان در کریسمس حاوی چه معنایی است؟

از دیدگاه من شادی واقعی یک مسیحی باید خود مسیح باشد اگر به انجیل لوقا (یکی از ۴ انجیل معتبر ما) مراجعه کنیم در باب دوم آمده است: زمانی که عیسی از حضرت مریم متولد می‌شود در بیت‌الحم (اینجا روایت با قرآن فرق دارد) چوپانانی در آن سرزمین بودند و فرشتگان بر این چوپان ظاهر شدند و به آنها گفتند مژده شادی بزرگ برای شما داریم. امشب نجات دهنده متولد شد، بروید و ببینید. چوپانان شادی کنان به جایی که مسیح متولد شد رفتند او را دیدند، پرستش کردند و با سرور و شادی به سرزمین خود برگشتند.

مسیح هم در انجیل یوحنا می‌فرماید: "آمده‌ام تا اینکه شاد باشید و شادی شما کامل شود و کسی شادی شما را از شما سلب نکند" و همچنین روز یکشنبه رستاخیز مسیح به شاگردان ظاهر می‌شود و از دیدن او شاد شدند. از دیدگاه من شادی حقیقی، کامل و پایدار در شخص مسیح پیدا می‌شود. آیا می‌توان کریسمس را ورود دوباره به مسیح و زمینه‌ای برای تقویت ایمانی مسیحی دانست؟

هدف از برگزاری مراسم و عید میلاد مسیح این است که بهتر و عمیق‌تر او را بشناسیم. او را محبت کنیم و شاهدان او باشیم. پس شکی نیست که هدف از مراسم عید میلاد این است که بیشتر این نوزاد الهی را بپذیریم و او را در زندگی جا دهیم تا نشانه‌های حضور او در جهان امروز باشیم چون مسیح می‌گوید: "می‌خواهم شاهدان من باشید".

آیا در ایران کودکان در نوزادی غسل تعمید داده می‌شوند یا در بزرگسالی؟

در کلیسای کاتولیک رسم بر این است که نوزادان چند هفته پس از تولد تعمید بگیرند و مسیحی شوند و پس از آن والدین در جلساتی شرکت می‌کنند تا از مسئولیت نسبت به پرورش و تربیت بچه‌های خود بر طبق تعالیم مسیح و انجیل آگاه شوند. در ضمن این که کلیسای هائی هستند که غسل تعمید را فقط به بزرگسالان می‌دهند.

دوک شما از حضرت مسیح به عنوان پیامبری که همه و خودتان را وقف او کرده‌اید، چیست؟
شخص مسیح به نظر من دارای یک ویژگی است که پیدا کردنش در انبیاء و پیشوایان مذهبی دیگر غیر ممکن است. امروز علاوه بر مسیحیان که به مسیح ایمان دارند و او را به عنوان پسر خدا و نجات دهنده

می‌دانند و ایمان دارند به این که بر روی صلیب مرد و رستاخیز نمود و در روز آخر ظهور خواهد کرد، پیروان ادیان دیگر نیز برای او بسیار ارزش و احترام قائلند و در انتظار او به سر می‌برند.

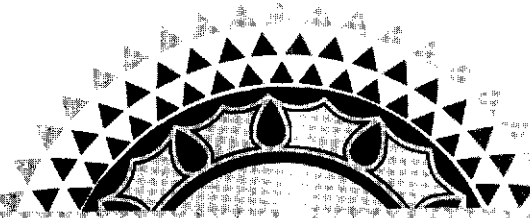
می‌گویند مهاتما گاندی رهبر بزرگ هند خیلی تحت تأثیر شخصیت مسیح قرار گرفته و او را به عنوان الگو می‌دانست و همچنین مسلمانان (منظورم شیعه) معتقدند که عیسی مسیح با امام زمان ظهور خواهد کرد.

پیروان مذهب یهودی نیز در انتظار آمدن مسیح موعود هستند، همچنین تولد معجزه‌آسای مسیح که هم در انجیل و هم در قرآن تدوین شده است بی‌نظیر است.

بر طبق گواهی این دو کتاب عیسی مسیح توسط روح خدا از مریم باکره متولد شد. ما مسیحیان به خدای یکتا اعتقاد داریم، هرگز برای خدا شریک قائل نیستیم و به وحدانیت خدا شدیداً و عمیقاً پایبند هستیم اما ینش ما از خدا با بیش از ادیان دیگر حتی اسلام فرق دارد. ما معتقدیم به اینکه خدا واحد است. اما تک و تنها نیست.

در خدای یگانه سه شخص به نام پدر و پسر و روح القدس در اتحاد به سر می‌برند. اضافه می‌کنم که





می‌مرد. از این لحاظ کمی اغراق آمیز بود.
نقش کریسمس را در گفت و گوی ادیان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

چنانکه گفتیم شخص مسیح در ادیان دیگر هم جایگاهی مهم دارد. بنابر این می‌تواند بهترین وسیله برای گفتگو بین ادیان باشد. ما می‌دانیم بین ادیان ابراهیمی و توحیدی نکات مشترکی داریم.

مثلاً در ادیان ابراهیمی جایگاه خدا اساسی است و وحدانیت خدا، جایگاه نماز، دعا و روزه و صدقه، تلاش برای عدالت و صلح، همه این‌ها نکات مشترک هستند و اگر ما خوب از این نکات مشترک استفاده کنیم به نظر من خدمت بسیار ارزشمندی برای بشریت و جامعه امروز که در یک بحران شدید گرفتار است تقدیم کرده‌ایم و از نظر من بحران امروز بشریت قبل از اینکه سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی باشد، معنوی است.

متأسفانه بشر امروز می‌خواهد بدون خدا زندگی کند و زندگی کردن بدون خدا یعنی جنگ و رنج و بدبختی و مرگ. وقتی معنویت نباشد انسان ارزشش را از دست می‌دهد. وقتی که ارزشهای روحانی و اخلاقی نباشد.

آینده انسان تاریک است. ما پیروان مذاهب توحیدی می‌توانیم از مسیح و دیگر پیامبران جهت برقراری زندگی معنوی و اخلاقیات درس بگیریم. و سعی کنیم جامعه ما از این ارزش‌ها برخوردار شود. به ویژه نسل جوان که در خلاء به سر می‌برد.

یکی از دانشمندان کلیسای کاتولیک به نام آگوستین، که در سنین نخستین زندگی به دنبال لذتها و خواسته‌هایش بوده بعداً بیدار شد و ایمان آورد. او می‌فرماید: "ای خدا انسان را برای خودت آفریده‌ای و فقط تو هستی که می‌توانی قلب او را راضی کنی" امروز همه به خداوند نیاز داریم تا قلب ما را که تشنه محبت، دوستی، شادی، صلح، عدالت است سیراب کند.

متأسفانه انسان با قدرتش خراب می‌کند ولی با قدرت خداوند می‌شود جلوی این خرابی‌ها را گرفت. به شرطی که پیروان ادیان واقعاً دین را از هدف اصلی منحرف نکنند یا برای اهداف شخصی و مادی به کار نگیرند.

در پایان شعری در باب مسیح بخوانید.

به جای آن سخنی از سخنان مسیح را می‌گوییم:
 "به نزد من بیایید ای کسانی که زیر بارهای سنگین رنج می‌برید و من به شما آرامش می‌بخشم."

فداکاری است و انسان طبیعتاً آماده چنین کارهایی نیست مگر با فیض و کمک خدا.

ایمان دارم که با فیض خدا می‌توانم این کار را برای کلیسا انجام دهم. بنابراین امروز هم از اینکه این مسئولیت به عهده من گذارده شد از خدا عمیقاً سپاسگزارم و امیدوارم همیشه با فیض او این خدمت را بر طبق اراده او انجام دهم.

آخرین کتابی که در مورد حضرت مسیح خواندید چه کتابی بود؟

در مورد تعمید مسیح جزوه‌ای خواندم که طبق تعالیم و سنت کلیسای شرقی بود و به نحوی بسیار زیبا و عمیق راز تعمید و اثرات آن بر تعمید شده را تشریح می‌کرد. در تعالیم کلیسا هر انسان با پذیرفتن فیض راز تعمید که همان فیض روح القدس است، مسیحی می‌شود.

با دیدن فیلم مصائب مسیح چه احساسی داشتید؟
 شکی نیست که مسیح دستگیر شد، رنج کشید، شکنجه شد و مصلوب شد و مرد. در انجیل آمده است و ما بدان معتقدیم، اما چیزی که در فیلم نشان داده شد از دیدگاه من مبالغه آمیز بود.

وقتی که صحنه شلاق زدن مسیح را می‌دیدم با خود می‌گفتم اگر واقعاً چنان بود مسیح باید همانجا

راز توسط خنای یکتا در سه شخص و در زندگی مسیح و مرگ و رستاخیز او برای ما مسیحیان تجلی یافت و کشف شد.

معتقدیم که هیچ انسان تنها با تلاش و کوشش شخص او نمی‌تواند به این حقیقت بزرگ که عقل انسان از درک آن عاجز می‌ماند پی‌برد و این یک فیضی است که خدا برای کسانی که به مسیح ایمان آورند عطا می‌کند.

عیسی در انجیل مقدس صریحاً خود را به عنوان پسر خدا می‌داند. مرتباً می‌فرماید: "من آمده‌ام تا اینکه اراده پدرم را انجام دهم" و همچنین می‌گوید: "ای پدر اراده تو باشد نه اراده من"، البته اشتباه نکنیم وقتی که ما مسیحیان می‌گوییم عیسی مسیح پسر خدا است این بدان معنا نیست که تولدش از خدای جسمانی بوده همانند تولد ما از والدین ما، عیسی مسیح از ازل پسر محبوب خدای پدر است و تولد او کاملاً روحانی است مانند تولد نور از خورشید که نیازی به اعضای جنسی ندارد.

وقتی از مقام کشیشی به مقام اسقفی نائل شدید در درون شما چه احساسی شعله‌ور بود؟
 احساس شادی توأم با نوعی ترس. چرا که در کلیسا مقام در درجه اول خدمت از خودگذشتگی و

